

رئیس دولت سیزدهم کشور را با چه شرایطی از حسن روحانی تحویل می گیرد؟

خسارت محض از برجام تا بنزین

شکست زودهنگام ایده مرکزی دولت چالش‌های بزرگی فراهم آورده که جمع‌وجور کردن آنها هم بسیار دشوار است. ضعف و ناتوانی ایده حل مشکلات اقتصادی کشور از مسیر سیاست خارجی آن هم به‌وسیله تعامل با بخشی از جهان که غربی‌ها باشند و از میان کشورهای غربی هم محور قراردادن ایالات‌متحده به‌سرعت مشخص شد و بحران‌های بزرگی را برای مردم فراهم آورد. با تغییر دولت در آمریکا کل تلاش‌های حدودا چهار ساله حسن روحانی و تیمش بر باد رفت ودقیقا از ۲۵ سال پیش بیشترین وبزرگ‌ترین تحریم‌های تاریخ علیه کشور اعمال شد. در این زمینه شاید برخی مانند حسن روحانی قائل به این نباشند که بازگشت تحریم‌ها و ایجاد فشار حداکثری ربطی به دولت ایران ندارد، اما واقعیت این است که بی‌تدبیری‌های بسیار بزرگی که در جریان انعقاد برجام صورت گرفت ودولت با وجود تذکرات بسیار زیاد کارشناسان، از جمله آنچه در جلسه معروف شورای روابط خارجی در سال ۹۴ مطرح شد، قراردادی بسیار ضعیف با ۱ و ۵+ منعقد کرد، مسیر را برای هرگونه چانه‌زنی با نخبگان و فرار از زیر بار مسئولیت بست و حالا متهم اصلی در این زمینه دولت است ولاغیر.

در مرحله دوم و پس از آمریکا، اهداف دولت برای همکاری با اروپایی‌ها هم ناکام ماندو آنها هم نشان دادند که آن حجم سفر به تهران و دیدو بازدیدهای دوجانبه رامی‌توانند در کسری از ثانیه کنار بگذارند و گویی که اصلا توافقی با ایران نداشته‌اند، فتر کنند. در این سال هایی که آمریکا از برجام خارج شده وعده‌های متعدد اروپایی‌ها به چند معامله چند میلیون دلاری آن هم اغلب برای مواد و کالاهای پزشکی و دارویی ختم شده و همچنان خبری از سازوکار همکاری تجاری با ایران که تروئیکا در سال ۹۷ قول آن را داده بود، نیست.

ناکامی دولت درخصوص همکاری با کشورهای همسایه هم به‌وضوح مشخص است. صرف‌نظر از اینکه نزدیکان دولت داعیه همکاری وهمراهی کشورهای عربی در ابتدای دولت یازدهم را داشتند وامروز بیشترین فاصله میان تهران با این کشورها وجود دارد، کشورهای همراه با ایران نیز در این سال‌ها به‌جای همراه‌تر شدن، دور شده وفاصله گرفته‌اند. فقدان دیپلماسی موثر وبرنامه دقیق برای همکاری با همسایگان کار را در روزهای تحریم برای کشور دشوار کرد واجازه نداد قریب ۱۵ کشوری که با ایران مرز مشترک آبی وخاکی دارند ایزراهای شکست تحریم باشند. امروز پول‌های ایران حتی در عراق هم بلوکه است ودولت توان بازگرداندن آنها را ندارد.

در این زمینه نمی‌توان نوع مواجهه حسن روحانی و تیمش با کشورهای شرقی ومهم‌تر از همه چین و روسیه را فراموش کرد. مواجهه سرد وسخت سال ۹۴ با چینی‌ها که منجر به دلخوری آنها پس از سفر رئیس‌جمهورشان به تهران شد، اجازه تکرار نقش مهم پکن در شکست تحریم‌ها مانند دوره اول تحریم در ابتدای دهه ۱۳۹۰ را نداد و حتی باعث شد همکاری‌هایی چون قرارداد ۲۵ ساله هم به تاخیر بیفتد. این رفتارها کار را به جایی رساند که ایران مجبور شد به‌جای رئیس دولت، علی لاریجانی رئیس وقت مجلس را مسئول پیگیری روابط با چین کند وحتی او را در صدر هیات وزیران برای مذاکره به پکن بفرستد. مشابه این نوع رفتار با روسیه هم باعث سردی روابط شد. آنجایی که مسکو می‌توانست نقش مهمی در پازل همکاری‌های اقتصادی وامینتی منطقه و ایران بازی کند دولت روحانی با غایب بود با اعتقادی به همکاری با روسیه نداشت ولذا از این مسیر هم منافع ملی آنچنان که باید، تامین نشد.

گفت‌وگو

روحانی بارها از جنگ اقتصادی گفت، اما هیچ‌گاه به وسط میدان مبارزه نیامد

صفر شدن ارتباطات رئیس‌جمهور به دلیل کرونا ضایعه‌ای برای جامعه است

پس از روزهای سخت یک سال گذشته در قرنطینه سراسری و شبانه‌ورسیدن آمار فوت‌شدگان ناشی از کرونا به روزی ۴۰۰ نفر و احتمال ورود مجدد به پیک جدید و چهارم کرونا، روز گذشته رئیس‌جمهور از موفقیت در مهار این بیماری سخن گفت و حتی تاکید کرد «کاری که در یک سال و چند هفته در کشور انجام شده می‌تواند به یک کتاب و الگو تبدیل شود»؛ درخواستی که پیش از این درباره برجام نیز مطرح شده بود. برای بازخوانی مهم‌ترین نقاط منفی ومثبت دولت به سراغ عباس سلیمی‌نمین، پژوهشگر حوزه سیاسی رفته ایم که گفت‌وگوی «فرهیختگان» با وی در ادامه آمده است.

۱۱۱

تحلیل شما از عملکرد دولت در یک سال گذشته و جنجالی‌ترین موضوعات تحت مدیریت آن چیست، باتوجه به اینکه روحانی روز گذشته تاکید کرد مدیریت ما در بحث کرونا باید وارد کتاب‌ها شود. افراد اخود را وقتی در مقام ارزیابی خود برمی‌آیند، نمره بسیار خوبی به خود می‌دهند ودرواقع ما دچار نوعی خودتشویقی هستیم. این موضوع فقط در مورد این دولت صدق نمی‌کند، بلکه گاهی درباره رسانه ملی نیز دچار این مشکلات هستیم وخودتشویقی یکی از مسائلی است که در آن افراد کمتر به افکار عمومی ومنقدان دلسوز توجه می‌کنند وخود در مقام ارزیابی خود برمی‌آیند، درحالی‌که باید اجازه دهند منتقدان دلسوز این نقدها را انجام دهند.

خوشبختانه این دولت نیز همانند دولت‌های دیگر مورد حمایت جدی نظام قرار داشته وبرخی از منتقدان تندرو عمدتا با تذکر رهبری مواجه بودند و در غیر این صورت دولت نمی‌توانست با این وضعیت به حیات خود ادامه دهد. در برخی موارد حتی حامیان رئیس‌جمهور هم خواستار استعفا ی وی بودند.

جلسات با طیف‌های مختلف برای پاک کردن بروردهای زشت گذشته با منتقدان ادامه نیافت

از سسوی دیگر روحانی فقط یک با دیوار با مخالفان منصف جلسه داشت که آن هم به‌نوعی برای پاک کردن برخوردهای بسیار زشت گذشته با منتقدان خود بود ودرواقع روحانی برای از بین بردن آثار آنها، ملاقات‌هایی با برخی عناصر منصف داشت که به‌هیچ‌وجه ادامه پیدا نکرد؛ چرا که گویا آن جلسات برای او خوشایند نبود.

باتوجه به چنین حمایتی روحانی باید بداند اگر همچنان در این جایگاه قرار دارد، نه به‌دلیل این است که آحاد جامعه از عملکرد وی راضی هستند، بلکه مصالح کشور حکم می‌کند که دولت تقویت، پشتیبانی و هدایت شود و در رأس آنها رهبری همواره بر این امر تاکید کرده‌اند در شرایطی که دشمن تمام سعی



برنامه اما خیلی زود رنگ‌بخت وبه دلایل متعدده‌تنها روحانی نتوانست شکاف‌های اجتماعی را پر کند که در مسیر تعمیق آنها هم حرکت کرد.

اولین مورد در این زمینه مربوط به شکاف سیاسی ایجادشده در جامعه است؛ چالشی که وقایع سال ۸۸ آن را تعمیق کرد وزخم آن همچنان ترمیم نشده است. در این خصوص هرچند روحانی تلاش‌هایی کرد اما به‌دلایل مهمی از جمله مواجهه بسیار تند بامنتقدان نتوانست توفیق مشخصی به‌دست آورد در ابتدا بدنه اجتماعی منتقد خود را به کیلومترها دورتر پرتاب کرد وسپس با مواجهات اشتباهی که در امر اداره کشور داشت باعث‌ریش‌حامیان خود به‌خصوص جریان اجتماعی حامی اصلاح‌طلبان شد.

تعمیق شکاف اقتصادی در ۸ سال گذشته

درکنار تفرق سیاسی، یکی از شکاف‌های مهم سال‌های اخیر در کشور با بهتر بگویم اصلی‌ترین مورد، شکاف اقتصادی است که اقشار کمتر برخوردار را از اقشار برخوردار یا مرفه جامعه جدا می‌کند. این مشکل بزرگ اجتماعی در سال‌های اخیر و در اثر ناکارآمدی دولت به‌شدت توسعه یافت ونشانه‌های واضی از آن نیز در وقایع دی‌ماه ۹۶ و همین‌طور اتفاقات آبان ۹۸ مشاهده شد. این مشکل حالا آنقدر حاد شده که به‌زعم بسیاری دوقطبی‌برقراری عدالت-تأثیربری می‌تواند نقطه عطف وعامل تعیین‌کننده انتخابات ۱۴۰۰ باشد.

این اتفاقات البته علاوه بر این است که رفتارهای بعضا خردگریز دولت موجب شده نخبگان از اصلاح‌بسیاری از امور در کشور ناامید شوند وبعضا از پیگیری دغدغه‌های خود ناامید شده و از میدان کنار بنشینند. برای ذکر مثال در این مورد اصلا نیازی



به واکاو ی وقایع هشت‌سال اخیر نیست، از بس که نمادها روشن و برای همه مردم ملموس بوده است. مدیریت کرونا طی حدودا یک‌سال گذشته نمونه بسیار مناسبی برای سنتجش عملکرد دولت است، اصرار بسیار زیاد بر شکل‌گیری ایمنی توده‌ای که از جانب قریب به اتفاق کارشناسان مردود بود وسپس بی‌تدبیری و کند ی در تصمیم‌گیری دقیقا در نوروز گذشته وبعدا در چند مقطع دیگر باعث شد موج‌های مختلفی از بیماری کشور را فرا بگیرد وتلفات سنگینی را روی دست کشور بگذارد.

یادرنمونه دیگر در پربازگشته همه شاهد بودند چگونه به ناگاه وبدون برنامه‌ریزی دقیق واستفاده از پشتوانه علمی و کارشناسی، نرخ سوخت در کشور افزایش چند صددرصدی داشت وباعث شد مردم به خیابان‌ها بیایند وزمینه اغتشاش هم فراهم شود. در آن برهه عدم‌عذرخواهی از مردم، ممانعت از هرگونه اصلاح‌فرآیند ونهایتا ذکر عبارت توهین‌آمیز «من هم روز جمعه فهمیدم» به مردم باعث شدت دلخوری عمومی از دولت شد. نحوه پرچالش توزیع سبد کالا، بودجه‌ریزی پراشکال وتوهمی، اصرار بر حقوق‌های نجومی، بروز فسادهای سنگین و چندین وچند مورد دیگر از جمله این موارد است. نهایتا اینکه تعدد این موارد وتکرار چنین بی‌تدبیری‌هایی باعث شده امروز یک سوال مهم در میان برخی اقشار جامعه ایجاد شود وآن هم این است که وجود یا فقدان دولت در این روزها وسال‌ها چه تأثیری بر اداره کشور دارد وآیا اساسا نبود آن کم‌هزینه‌تر از بودش نیست؟

سیاست خارجی

در عرصه سیاست خارجی وضعیت به همان بغرنجی موضوعات داخلی است، یعنی

برگزاری جلسات با وزرا می‌تواند از بروز بسیاری از مشکلات جلوگیری کند، کمابینکه رئیس‌جمهور به سهولت می‌تواند بفهمد به‌طور مثال فلان بخش چه مشکلی دارد یا مثلا مطلع شدن از آمار نهاده‌های دامی و خوراک دام وطیور

برای رئیس‌جمهور ساده است تا بتواند از این طریق مشکل بین وزارتخانه‌های مربوطه وبانک مرکزی را حل کند. اما متاسفانه وقتی وزرا از ریاست‌جمهوری فرصتی برای حل‌وفصل این مشکلات می‌خواهند، رئیس‌جمهور چهارماه بعد به آنها وقت می‌دهد.

وقتی دشمن با مساله ارز مشکل آفرینی کرد، رئیس‌جمهور باید با تدابیر خود این مشکلات را دور بزند
یکی از معضلات اصلی موضع بالا به پایین رئیس‌جمهور حتی نسبت به وزرای خود است.

در اینجا بحث موضع بالا به پایین نیست، البته همه می‌دانیم روحیه روحانی چطور است، اما علاوه بر این وقتی دشمن سعی می‌کند با مساله ارز کار کرده و ایجاد مشکل کند، باید تدابیر رئیس‌جمهور این مشکلات را دور بزند یا زمانی که درباره قیمت مرغ مشکل ایجاد می‌شود، دولت می‌گوید ما لازم از تخصیص دادیم، اما وقتی به‌صورت تخصصی مساله را پیگیری می‌کنید متوجه می‌شوید این تدبیر دیرهنگام اتخاذ شده و ارز دیر تخصیص داده شده است، درحالی‌که اگر به‌موقع چنین تصمیمی اتخاذ می‌شد، این مشکلات بروز نمی‌کرد که سپس به‌صورت عاجل بخواهند تصمیماتی در این زمینه اتخاذ کنند.

صفر شدن ارتباطات رئیس‌جمهور به دلیل کرونا ضایعه‌ای برای جامعه است

روحانی فردی نیست که زحمت وسختی فوق‌العاده به خود بدهد وفردی با تفکری است که این تفکر در یک جریان فکری در کشور به‌صورت محسوس دیده می‌شود که حاضر نیستند خود را به‌سختی بیندازند یا ایثار کنند؛ کمابینکه رئیس‌جمهور یک شخصیت اجرائی است ونباید به‌دلیل کرونا فعالیت‌ها و تحرکات خود را به صفر برساند، اما او ارتباطات خود را به حداقل رساند که این ضایعه‌ای برای جامعه است.

روحانی برای بودجه نیز به مجلس نرفت و این امر اختلافات دو قوه را تشدید کرد.

متاسفانه همین‌طور است. شاید این اقدام روحانی انگیزه سیاسی داشته باشد، اما مشکلاتی که اکنون در جامعه وجود دارد، قابل توجه است واز این رو برای ما ناشایست است که به‌دلیل عدم اطلاع از برخی مسائل که رخ می‌دهد مسائل

حاد شود، آن هم مسائلی که به‌راحتی قابل حل‌وفصل است.

به‌طور مثال اینکه فاضلاب اهواز چندین سال موقع بازندگی مشکلات شرم‌آور و تاسف‌باری را به‌وجود می‌آورد، زبینه‌ده نیست، اما استاندار مربوطه هرسال همان توضیحات تکراری درباره بودجه رامی‌دهد، درحالی‌که رئیس‌جمهور در سال اول مرچنین مشکلاتی را پیگیری کند و اگر استانداری ایقاقت لازم را ندارد، او را کنار بگذارد یا استاندار دیگری را بگمارد تا مشکلات را حل کند. اما در نهایت ما با هزینه مضاعف مجبور هستیم این مشکلات را حل کنیم.

روحانی بارها از جنگ اقتصادی گفت، اما هیچ‌گاه به وسط میدان مبارزه نیامد

نظر شمار درباره ارجاع دادن همه این مشکلات به واشنگتن دی‌سی ازسوی رئیس‌جمهور و ادعای چندی پیش او مبنی بر اینکه چرخ اقتصاد مردم هم می‌چرخد، چیست؟

من نمی‌گویم مشکلاتی که آمریکا ایجاد می‌کند تأثیرگذار نیست، اما این آقایان با علم به این مطلب که در شرایط ویژه هستیم، این مسئولیت را پذیرفته وارد این میدان شدند، بنابراین باید کار فوق‌العاده انجام دهند؛ چرا که شرایط ویژه است. روحانی چندین بار عنوان کرد ما در یک جنگ هستیم، اما در این حالت، فرمانده جنگ نمی‌گوید من چون تیر می‌خورم به وسط میدان نمی‌آیم، درواقع باید کاستی‌های چشمه نبرد را حل کند.

روحانی هیچ‌گاه اهل ایثار و فداکاری نبوده است

متاسفانه روحانی اهل ایثار وفداکاری نبوده وحاضر نیست برای حل مشکلی از خواب، استراحت ومسائل روزمره که بدان عادت کرده، بگذرد. طبیعی است افرادی که روحانی رامی‌شناختند نباید او را وارد این عرصه می‌کردند، درحالی‌که روحانی همانند احمدی‌نژاد نبود که او را نشاناسیم؛ بلکه سال‌هاست او را می‌شناسیم وبیشتر اصلاح‌طلبان نیز منتقد او بودند واز اینکه روحانی از موضع بالا و راحت‌طلبانه با مسائل برخورد می‌کند، دلخور بودند؛ لذا آنها یک خطای فاحش مرتکب شدند، اما خود آنها نیز در برخی مناصب خیلی ایثارگری نکردند. این درحالی‌است که در همین کرونا نیز برخی اقدامات صورت گرفت که واقعا شایسته‌است؛ اینکه دولت در انستیتورازی بابرخش‌های غیردولتی توانست واکسن تولید کند بسیار ارزشمنند است. باید این واقعیت را پذیرفت که تولید واکسن در شرایط تحریم‌ها بسیار مهم بود، آن‌هم واکسنی که کاملا جواب داده، اما هیچ‌یک از واکسن‌های تولیدشده در مراحل اولیه جواب کاملی نگرفته است؛ بنابراین این موارد نشان می‌دهد تمام توان نظام به میدان آمده تا ستاد ملی کرونا وضعیت را اداره کند، از این رو باید در این حوزه قدر دان بود.